

نکته‌ها (۱۸)

○ رضا مختاری



نکته (۸۰)

معمولاً برای یافتن مطالب تاریخی به آثار فقهی مراجعه نمی‌شود؛ در حالی که در بسیاری از آثار فقهی نکته‌های تاریخی سودمندی دیده می‌شود، به خصوص آنچه مربوط به عصر و زمان مؤلفان آثار فقهی است. برای نمونه در اینجا شواهد و مواردی را یاد می‌کنم تا مورخان از این زاویه به آثار فقهی توجه و نکات - گاهی ناب - تاریخی را از آنها استخراج کنند:

الف) شهید اول (قدس سره) (م ۷۸۶) در باره مسجد غدیر در منطقه غدیر خم گوید:
... و موضع النصّ من رسول اللّٰه (ص) علی امیر المؤمنین (ع)، والمسجد

باقی‌الی‌الآن جدرانه.^۱

۱. الدرر و الشرعیة، ج ۲، ص ۲۳، چاپ بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

ب) سید جواد عاملی (م ۱۲۲۸)، نویسنده اثر بس ارزندهٔ مفتاح الكرامة، در دو جای این کتاب از حملات و هآبیان به عتبات عالیات یاد کرده است: یکی در پایان کتاب الشفعة، و یک بار هم در پایان کتاب التجارة و توابعها. وی می گوید:

وقد تمّ كتاب الشفعة بلطف الله عزّ وجلّ و بركة آل الله (ص) ليلة الخميس الثامنة والعشرين من شهر ربيع الثاني سنة ۱۲۲۳، و يتلوه بلطف الله و بركة آل الله (ص) في المجلّد الذي بعده (المقصد الثالث) في إحياء الموات، ولا قوّة إلا بالله العلي العظيم.

و في هذه السنة جاء الخارجي الذي اسمه سعود في جمادى الآخرة من نجد بما يقرب من عشرين ألف مقاتل أو أزيد فجاء تنا النذر بأنّه يريد أن يدهمنا في النجف الاشرف غفلة، فتحذّرنا منه و خرجنا جميعاً إلى سور البلد فأتانا ليلاً، فرأنا على حذر قد أحطنا بالسور بالبنادق و الاطواب فمضى إلى الحلة فرأهم كذلك، ثمّ مضى إلى مشهد الحسين (ع) على حين غفلة نهاراً فحاصروهم حصاراً شديداً فثبتوا له خلف السور و قتل منهم و قتلوا منه و رجع خائباً، ثمّ عاث في العراق فقتل من قتل و بقينا مدّة تاركين البحث و النظر على خوف منه و وجل و لاحول و لا قوّة إلا بالله العلي العظيم، و قد استولى على مكّة (شرفها الله تعالى) و المدينة المنورة، و قد تعطلّ الحاجّ ثلاث سنين و ما ندرى ما ذا يكون، و لا حول و لا قوّة إلا بالله. ۲

و الحمد لله كما هو اهله أولاً و آخرأ و ظاهرأ و باطنأ و الصلوة و السلام على خير خلقه اجمعين محمد و آله الطاهرين المعصومين و قد منّ الله سبحانه بفضلله و احسانه و بركة محمد و آله (ص) لاتمام هذا الجزء من كتاب مفتاح الكرامة بعد انتصاف الليل من الليلة التاسعة من شهر رمضان المبارك سنة

الف و مائتين و خمس و عشرين على يد مصنفه الاقلّ الاذلّ محمد الجواد الحسيني الحسيني الموسوي العاملي (عامله الله سبحانه و تعالى بلطفه و فضله و رحمته) و كان مع تشويش البال و اختلال الحال و قد احاطت الاعراب من عنيزة - القائلين بمقالة الوهابي الخارجي - بالنجف الاشرف و مشهد الحسين (ع) و قد قطعوا الطرق و نهبوا زوّار الحسين (ع) بعد منصرفهم من زيارة نصف شعبان و قتلوا منهم جمّاً غفيراً و اكثر القتلى من العجم و ربما قيل : أنّهم مائة و خمسون و قيل اقلّ و بقي جملة من زوّار العرب في الحلة ما قدروا ان ياتوا إلى النجف الاشرف فبعضهم صام في الحلة و بعضهم مضى إلى الحسكة و نحن الآن كأننا في حصار و الاعراب إلى الآن ما انصرفوا و هم من الكوفة إلى مشهد الحسين (ع) بفرسخين أو أكثر على ما قيل و الخزاعل متخاذلون مختلفون كما ان آل بعيج و آل جشعم يتقاتلون كما ان والي بغداد جائه و آل آخر و أنّه معزول و هما الآن يتقاتلان و قد غُتّت علينا اخبارهما لإنقطاع الطرق و بذلك طمعت عنزة في الإقامة في هذه الاطراف و لا قوة إلا بالله العلي العظيم و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين و رضي الله تبارك و تعالى عن علمائنا اجمعين و حشرهم (و جعلهم خ . ل) في أعلى جنان النعيم.^٣

از اين دست نکات در آثار ابن ادریس حلی هم فراوان یافت می شود .

نکته (٨١)

شهید اول (قدّس سرّه) (م ٧٨٦) در دروس می گوید :

... و لا کراهة في تقبيل الضرائح ، بل هو سنة عندنا ، و لو كان هناك تقية فترکه

٣ . همان ، ج ٧ ، ص ٦٥٣ .

اولی، و اما تقبیل الاعتاب فلم نقف فيه على نص نعتد به، و لكن عليه الامامية^۴.
- اللهم إنا نسالك بك و بحق حبيبك محمد و اهل بيته الطاهرين أن تصلني
على محمد و آله، و أن تحشرنا في زمرةم و تعتق رقابنا من النار بحبهم،
و تعجل فرجهم و فرجتنا بهم، و تدرك بنا أيامهم، يا أرحم الراحمين^۵.

نکته (۸۲)

در شماره قبل به برخی از خلل ها و نقص ها در رسائل عملیه اشاره شد. در اینجا
نیز به ذکر تعدادی دیگر از آنها می پردازیم:

آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی (قدس سره) در اثر بس ارزنده وسیله النجاة
در کتاب المضاربه می نویسد:

مسئلة ۱: يشترط في المتعاقدين البلوغ والعقل والاختيار ...^۶.

در کتاب المزارعة و کتاب المساقاة نیز گوید:

مسئلة ۱: يعتبر فيها - زائداً على ما اعتبر في المتعاقدين في سائر العقود من

البلوغ والعقل والقصد والاختيار والرشد - أمور ...^۷.

- و يعتبر فيها - بعد شرائط المتعاقدين من البلوغ والعقل والقصد والاختيار

و عدم الحجر - أن ...^۸.

روشن است که مضاربه و مساقات و مزارعه از لحاظ شرایط یاد شده، تفاوتی

ندارند و یکسان اند، ولی ایشان در باب مضاربه «قصد» و «رشد» را در شرایط

۴. الدروس الشرعية، ج ۲، ص ۲۹، چاپ بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۹.

۶. وسیله النجاة، ج ۲، ص ۱۲۸، با حواشی مرحوم آیت الله گلپایگانی.

۷. همان، ص ۱۵۷.

۸. همان، ص ۱۶۴.

متعاقدين ذکر نکرده، اما در دو باب دیگر شرط دانسته است. امام خمینی و مرحوم آیت الله گلپایگانی (اعلی الله مقامهما) در حاشیه و سیله در مضاربه، «عدم الحجر في المالک» را افزوده اند^۹، ولی از «قصد» یادی نکرده اند و بر این دو گونگی ایرادی نگرفته اند. در نتیجه، عبارت و سیله به همان شکل - فقط با افزودن «و في رب المال عدم الحجر لفلس» - الحجر - در تحریر الوسیله هم باقی مانده است.^{۱۰}

نکته (۸۳)

شیهه دو گونگی قبل در مواردی از عروه هم رخ داده است:

نمونه اول:

إذا حجّ باعتقاد أنّه غير بالغ ندباً، فإن بعد الحج أنّه كان بالغاً، فهل يجزيء عن حجة الاسلام أولاً؟ وجهان، أو جهههما الأوّل وكذا إذا حجّ الرجل باعتقاد عدم الاستطاعة بنية الندب، ثمّ ظهر كونه مستطاعاً حين الحجّ.^{۱۱}

در اینجا در فرع دوم، چنین حجّی را مجزی از حجة الاسلام دانسته است مطلقاً و بدون تفصیل، اما در مسئله دیگری تفصیل داده و روشن است تفصیل با اطلاق منافی است:

إذا اعتقد أنّه غير مستطیع فحجّ ندباً، فإن قصد امتثال الامر المتعلّق به فعلاً و تخيّل أنّه الامر الندبي اجزأ عن حجة الاسلام؛ لأنّه حيثنذ من باب الاشتباه في التطبيق، وإن قصد الامر الندبي على وجه التقييد لم يجز عنها...^{۱۲}

۹. همان، ص ۴۲۹، با حواشی امام خمینی، چاپ مؤسسه تنظیم و نشر.

۱۰. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۷۷، چاپ مؤسسه تنظیم و نشر.

۱۱. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۵۲-۳۵۳، مسئله ۹، چاپ دفتر انتشارات اسلامی.

۱۲. همان، ص ۳۸۸-۳۸۹، م ۲۶.

در حواشی عروه هم ندیدم کسی متعرض این دو گانگی شده باشد.

نمونه دوم:

مسئله ۶۰: لو حجّ من مال الغير غضباً صحّ و اجزاه، نعم إذا كان ثوب احرامه

و طوافه و سعيه من المغضوب لم يصحّ، و كذا إذا كان ثمن هديه غضباً. ۱۳

مسئله ۱۰: لايجوز الحجّ بالمال الحرام، لكن لا يبطل الحجّ إذا كان لباس

إحرامه و طوافه و ثمن هديه من حلال. ۱۴

در مسئله ۶۰ برای صحت حج، مباح بودن لباس سعی را شرط دانسته اند،

ولی در مسئله ۱۰ از این شرط یادی نکرده اند.

نمونه سوم:

مسئله ۳۵: يستثنى من عدم جواز النظر من الأجنبيّ و الاجنبية مواضع: ...

و منها: غير المميّز من الصبيّ و الصبيّة؛ فإنّه يجوز النظر إليهما بلّ اللّمس و

لايجب التستر منهما، بلّ الظاهر جواز النظر إليهما قبل البلوغ إذا لم يبلغا

مبلغاً يترتب على النظر منهما أو إليهما ثوران الشهوة. ۱۵

مفاد مسئله ۳۵ آن است که به صبیّه و صبی می توان نگاه کرد، به شرطی

که «لم يبلغا مبلغاً ...»، ولی مفاد مسئله ذیل آن است که نظر به میّز علی الاظهر

مطلقاً جایز نیست، چه شرط ذیل مسئله ۳۵ باشد، چه نباشد:

مسئله ۵: ... لو شكّ في كون المنظور إليه أو الناظر حيواناً أو إنساناً فالظاهر

عدم وجوب الاحتياط لانصراف عموم وجوب الغضّ إلى خصوص الانسان

و إن كان الشكّ في كونه بالغاً أو صبيّاً أو طفلاً مميّزاً أو غير مميّز ففي وجوب

۱۳. همان، ص ۴۱۵-۴۱۶، م ۶۰.

۱۴. همان، ص ۵۹۶، م ۱۰.

۱۵. همان، ج ۵، ص ۴۹۶-۴۹۷، م ۳۵.

الاحتياط وجهان: من العموم على الوجه الذى ذكرنا، و من إمكان دعوى

الانصراف والظاهر الاول. ١٦.

دو مورد دیگر از دو گانگی فتوا در عروه و وسیله در نکته شماره ٣ و ٤ در

شماره ٣٣ همین مجله گذشت.

نکته (٨٤)

در عروه در شرایط نماز جماعت آمده است: « لا یضرّ الفصل بالصبيّ المميّز مالم

یعلم بطلان صلاته. »^{١٧} این مسئله به همین شکل ترجمه گردیده و به برخی توضیح

المسائل های فارسی منتقل شده است:

مسئله ١٤١٧: اگر بین کسانی که در یک صف ایستاده اند، بچه میّز یعنی

بچه ای که خوب و بد را می فهمد، فاصله شود، چنانچه ندانند نماز او باطل

است، می توانند اقتدا کنند.^{١٨}

با اینکه اگر بچه میّز با یقین به بطلان نماز او، یا حتی مردی که نمازش باطل

است، فاصله شود یا به اندازه ایستادن یک مرد، صف خالی باشد، نماز جماعت

صحیح و این مقدار فاصله معفو است و مانع صحت نماز جماعت نیست؛ چنان که

هم در عروه و هم توضیح المسائل مذکور آمده است:

مسئله ١٤٣٦: اگر مأموم به واسطه کسی که طرف راست یا چپ او اقتدا

کرده، به امام متصل باشد و از جلو به امام متصل نباشد، چنانچه به اندازه

گشادی بین دو قدم هم فاصله داشته باشند، نمازش صحیح است.^{١٩}

١٦. همان، ج ٥، ص ٤٩٩-٥٠٢، م ٥١.

١٧. همان، ج ٣، ص ١٥١، م ٢٢.

١٨. توضیح المسائل مراجع، ج ١، ص ٨٠٣، م ١٤١٧، چاپ دفتر انتشارات اسلامی.

١٩. همان، م ١٤٣٦.

مسئله ۱۷: إذا كان أهل الصفوف اللاحقة غير الصف الأوّل متفرّقين بان كان بين بعضهم مع البعض فصل أزيد من الخطوة التي تملأ الفرج ... لم يصح اقتداؤهم، وإلا صحّ وأما الصف الأوّل فلا بدّ فيه من عدم الفصل بين أهله، فمعه لا يصحّ اقتداء من بعد عن الإمام أو عن المأموم من طرف الإمام بالبعد المانع.^{۲۰}

بنابراین، فاصله بین دو نفر در صف، به اندازه یک گام بزرگ (یا حدود یک متر، یا به اندازه جسد انسان ساجد، بر حسب اختلاف تعابیر) مضرّ به جماعت نیست. بنابراین فاصله شدن بچه ممیّز حتی با یقین به بطلان نماز او، به طریق اولی مضرّ به صحت جماعت نیست. از این رو، باید مسئله ۱۴۱۷ توضیح المسائل و مسئله ۲۲ عروه را بدین گونه معنی کرد که اگر افزون بر بعد و فاصله مجاز (حدود یک متر)، بچه ممیّز فاصله شود، حکم چنین است؛ یعنی با عنایت به مسئله ۱۴۳۶ توضیح المسائل و مسئله ۱۷ عروه، باید این مسئله را معنی کرد؛ در حالی که هر مسئله رساله عملیه باید به تنهایی و مستقلاً - بدون جمع عرفی با سایر مسائل به تقیید و تخصیص - صحیح و قابل عمل باشد؛ چون مخاطبان رسائل عملیه اغلب قادر بر جمع عرفی بین مسائل نیستند و چنین اشرافی ندارند و به اشتباه می افتند. از این رو، برخی فقها برای جلوگیری از این اشتباه، به جای عبارت مسئله ۱۴۱۷، بیان دیگری دارند؛ مثلاً مرحوم آیت الله گلپایگانی (قدس سرّه) فرموده اند:

... اگر شک در صحت نماز او [ممیّز] داشته باشند و فاصله زیاد باشد که اتصال بقیه صف به امام به وسیله آن طفل باشد، اقتدا مشکل است، بلی، فاصله شدن یک طفل مانع نیست؛ هر چند نماز او باطل باشد.^{۲۱}

عبارت توضیح المسائل فقیه مدقّق حضرت آیت الله شبیری زنجانی (دامت

۲۰. العروة الوثقی، ج ۳، ص ۱۴۹، م ۱۷.

۲۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۸۰۳-۸۰۴، ذیل مسئله ۱۴۱۷.

برکاته) هم دقیق، گویا و بی اشکال است:

مسئله ۱۴۱۶: اگر بین ماموم و امام، یا بین ماموم و ماموم دیگری که واسطه اتصال ماموم با امام است، کمتر از مقدار جسد انسان در حال سجده که حدود یک متر است فاصله گردد، مانعی ندارد، ولی اگر بیش از این مقدار فاصله شود، جماعتش صحیح نیست. بنابراین اگر چند نفر که نمازشان باطل است، فاصله شوند، نمی تواند اقتدا کند و بچه ممیز... اگر شرایط نماز را رعایت کند، نمازش صحیح است. ۲۲

نکته (۸۵)

در رساله توضیح المسائل حضرت امام خمینی (اعلی الله کلمته) ذیل احکام روزه مسافر آمده است:

مسئله ۱۷۱۸: مسافر می تواند برای خواستن حاجت سه روز در مدینه طیبه روزه مستحبی بگیرد.

مفاد این مسئله آن است که فرقی نمی کند این سه روز چه روزهایی باشد؛ در حالی که حضرت امام در حاشیه عروه - به گونه احتیاط واجب غیر قابل رجوع به غیر - فرموده اند: «متعین است که این سه روز، چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد» و عبارت عروه را که می گوید: «والأفضل اتیانها فی الأربعاء والخمیس والجمعة» تفسیر و تعلیق کرده اند به: «بل المتعین علی الاحوط لو لم یکن أقوى». ۲۳

بنابراین معلوم می شود کسانی که توضیح المسائل را بافتاوی امام (تحریر و حاشیه عروه) تطبیق می داده اند، در اینجا دقت نکرده اند.

۲۲. همان، ص ۸۰۴، ذیل مسئله ۱۴۱۷.

۲۳. العروة الوثقی، ج ۳، ص ۶۱۴.

نکته (۸۶)

صاحب عروه (قدّس سرّه) در بحث محرم کردن صبیّ غیر ممیّز گوید:
 يستحب للوليّ أن يحرم بالصبيّ الغير [كذا، و الصواب: غير] المميّز ... و
 المراد بالإحرام به جعله محرماً لأن يحرم عنه، فيلبسه ثوبي الإحرام و
 يقول: «اللهم إنّي أحرمت هذا الصبيّ ...». ۲۴

عبارت نيّت، انشای خود صاحب عروه است، نه اینکه نص روایت باشد و در
 آن خطایی هست و ندیدم محشّین عروه تذکر داده باشند و آن اینکه «أحرمت» به
 معنای «محرم شدم» است، نه «محرم کردم»؛ بنابراین باید گفت: «أحرمت بهذا
 الصبيّ ...»؛ همچنان که خود ایشان در صدر مسئله فرمود: «... أن يُحرم بالصبيّ ...».

نکته (۸۷)

پاره ای از فروع فقهی که بسیار نادر اتفاق می افتد یا اساساً معلوم نیست اتفاق
 می افتد یا نه، مناسب نیست در رسائل عملیه ذکر شود و وقت و فکر خواننده و
 نویسنده و امکانات چاپ و کاغذ و ... را تلف کند، بدون اینکه ثمره ای بر آن مترتب
 باشد و به جای آن باید ده ها فرع فقهی مورد ابتلا را که اثری از آنها در رسائل عملیه
 نیست، درج کرد. به عنوان نمونه، برای مسائل قسم اول (غیر محل ابتلا) به ذکر
 یک مورد اکتفا می کنیم:

... حتى لو ادخلت حشفة طفل رضيع فإنّهما يجنبان ... وإذا أدخل الرجل
 بالخنثى و الخنثى بالأنثى و جب الغسل على الخنثى دون الرجل و الأنثى. ۲۵

۲۴. همان، ج ۴، ص ۳۴۷، م ۲، چاپ دفتر انتشارات اسلامی.
 ۲۵. همان، ج ۱، ص ۴۹۹-۵۰۰.

نکته (۸۸)

در برخی از رساله های توضیح المسائل آمده است :

مسئله ۳۰۲: کسی که می داند وضو گرفته و حدثی هم از او سرزده، اگر نداند کدام جلوتر بوده، چنانچه پیش از نماز است، باید وضو بگیرد و اگر در بین نماز است، باید نماز را بشکند و وضو بگیرد و اگر بعد از نماز است باید وضو بگیرد و نمازی را که خوانده دو باره بخواند. ۲۶

روشن است وقتی حکم هر سه صورت یکی است تفصیل معنی ندارد. این مسئله شبیه موردی است که در نکته ۷۲ در شماره قبل (۵۳) اشاره شد و علت این مسامحه نیز همان است که در نکته مذکور بیان شد. این مسئله در رساله مرحوم آیه الله بروجردی (قدس سره) چنین است :

مسئله ۳۰۸: ... چنانچه پیش از نماز است، باید وضو بگیرد و اگر در بین نماز است، باید نماز را بشکند و وضو بگیرد و اگر بعد از نماز است، نمازی را که خوانده صحیح است و برای نمازهای بعد، باید وضو بگیرد.

نکته (۸۹)

با توجه به اینکه افراد مختلف به توضیح المسائل مراجعه می کنند نه فقط فاضلان و اهل فن، تعبیرات مسائل باید گویا و روشن باشد و سبب به اشتباه افتادن مقلدان نشود؛ از باب نمونه، در برخی رسائل توضیح المسائل آمده است :

غسل جنابت به خودی خود مستحب است و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می شود. ۲۷

۲۶. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۱۹۰، م ۳۰۲.

۲۷. همان، ص ۲۲۸، م ۳۵۷.

بنده مکرر شنیده‌ام که برخی این مسئله را اشتباه فهمیده و پنداشته‌اند که غسل جنابت - بدون جنب شدن - مستحب است و افرادی بدون اینکه جنب باشند، غسل جنابت کرده‌اند و آن را مستحب دانسته‌اند! مثل غسل جمعه که مستحب است!

از این رو، در برخی رساله‌های توضیح المسائل - از جمله رساله حضرت آیه‌الله صافی (دامت برکاته) - عبارت ذیل آمده که بهتر است و موجب اشتباه مذکور نمی‌شود: «غسل جنابت برای تحصیل طهارت از جنابت مستحب است.»^{۲۸}

برخی از مسائل هم چون سبب اشتباه می‌شود یا اساساً نباید در توضیح المسائل ذکر شود یا با توضیح کافی همراه باشد؛ مثلاً در بیشتر توضیح المسائل‌ها ضمن کارهای مکروه برای حائض آمده است: «خواندن قرآن [به جز آیات سجده یا سوره‌های سجده‌دار که حرام است] برای حائض مکروه است»^{۲۹} و بیشتر مردم می‌پندارند که چون مکروه است، پس نخواندن قرآن بر خواندن آن رجحان دارد! و شاید به همین دلیل، این مسئله در توضیح المسائل حضرت آیه‌الله بهجت (دامت برکاته) مذکور نیست.

اگر مقصود از کراهت «قلّت ثواب» است، باید توضیح داد.

البته در مثل اقتدای مسافر به حاضر و بالعکس، اختلاف نظر است و برخی کراهت آن را به معنای قلّت ثواب گرفته‌اند، ولی فقیه مدقق حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی معتقدند که به معنای قلّت ثواب نیست، بلکه نماز فرادا بر اقتدای مسافر به حاضر و بالعکس رجحان دارد.^{۳۰}

۲۸. همان.

۲۹. همان، ج ۱، ص ۲۸۵، م ۴۷۷.

۳۰. همان، ج ۱، ص ۸۳۲، م ۱۴۹۰.

نکته (۹۰)

چند مورد سهو القلم در عروه دیده می شود که در دو جا هیچ یک از محشیان، و در یک جا به استثنای دو نفر، دیگر حاشیه نگاران متذکر نشده اند و خوب است در اینجا یاد شود:

(الف) در بحث تکبيرة الاحرام، مسئله ۱۲ آمده است:

و يستحب أيضاً أن يقول ... بعد تكبيرة الاحرام: «يا محسن قد أتاك المسيء
و قد امرت المحسن ...». ۳۱

در حالی که در روایت، این جملات، قبل از تکبيرة الاحرام وارد شده نه بعد از آن، و از حاشیه نگاران عروه - تا آنجا که می دیدم - فقط دو نفر متعرض این نکته شده اند؛ از جمله حضرت آیت الله سیستانی (دامت برکاته).

(ب) در بحث مستحبات تشهد، مسئله ۴ آمده است:

يستحب في التشهد أمور: ... الثاني: أن يقول قبل الشروع في الذكر: «الحمد لله» أو يقول: «بسم الله وبالله والحمد لله وخير الاسماء لله» أو «الاسماء الحسنى كلها لله». ۳۲

در حالی که در روایات «الحمد لله» در خصوص تشهد اول وارد شده است ۳۳، نه هر دو تشهد، مگر اینکه از باب مطلق ذکر در تشهد اول گفته شود. و ندیدم کسی از حاشیه نگاران عروه متعرض این نکته شده باشد.

(ج) در کتاب حج گوید:

صورة حج التمتع على الاجمال: أن يحرم في أشهر الحج من الميقات بالعمرة

۳۱. العروة الوثقى، ج ۲، ص ۴۷۰، م ۱۲.

۳۲. همان، ص ۵۹۰، م ۴.

۳۳. ر.ك: وسائل الشيعه، ج ۶، ص ۳۹۳، باب ۳ از ابواب التشهد، ح ۱.

نکته (۸۹)

المتمتّع بها إلى الحج، ثم يدخل مكة فيطوف فيها بالبيت سبعاً ويصلي ركعتين في المقام، ثم يسعى لها بين الصفا والمروة سبعاً، ثم يطوف للنساء، احتياطاً وإن كان الاصحّ عدم وجوبه، ويقصر، ثم ينشئ إحراماً للحج... ۳۴

در حالی که بر فرض، طواف نساء در عمره تمتع، مطابق احتیاط باشد، وقت آن پس از تقصیر است، نه قبل از آن. این نکته در هیچ یک از حواشی عروه نیامده است و فقط به طور شفاهی از حضرت آیت الله شبیری زنجانی (دامت برکاته) شنیده ام.

نکته (۹۱)

شیخ طوسی در تهذیب، باب میراث المجوس گوید:

قد اختلف أصحابنا (رحمهم الله) في ميراث المجوسي إذا تزوج بإحدى المحرّمات من جهة النسب في شريعة الإسلام.

قال يونس بن عبد الرحمن وكثير ممن تبعه من المتأخرين: «إنه لا يورث إلا من جهة النسب والسبب اللذين يجوزان في شريعة الإسلام، فأمّا ما لا يجوز في شريعة الإسلام فإثما لا يورث منه على حال».

وقال الفضل بن شاذان وقوم من المتأخرين ممن تبعوه على قوله: «إنه يورث من جهة النسب على كل حال وإن كان حاصلًا عن سبب لا يجوز في شريعة الإسلام، فأمّا السبب فلا يورث منه إلا بما يجوز في شريعة الإسلام».

معلوم می شود بزرگان اصحاب ائمه (علیهم السلام) مانند یونس بن عبدالرحمن در عصر حضور هم اجتهاد و استنباط می کرده اند و دسترسی به معصوم (علیه السلام) برای همه چندان آسان نبوده است و در این مسئله دو نفر از اساطین شیعه مانند یونس و فضل دو نظر مخالف داشته اند.

۳۴. همان، ج ۴، ص ۶۰۹.

۳۵. تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۴۱۱-۴۱۲، باب ۷، چاپ مرحوم علی اکبر غفاری.